

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مرحله‌ی آماده‌سازی فایل			
تکمیل مآخذ و ویرایش نهایی	ویرایش دوم	ذکر مآخذ	تصحیح و ویرایش اولیه

جنایتکاران سقیفه در دادگاه وجدان اهل سنت

هفته‌ای که پشت سر گذاشتیم، روز شهادت جانگداز حضرت فاطمه‌ی زهرا صدیقه‌ی کبری علیها السلام را دربرداشت. حادثه‌ی عظیمی که قلب مقدّس امام زمان علیه السلام و همه‌ی ارادتمندان به آستان فاطمی علیها السلام را به درد آورد. جلسه‌ی قبل در حدّ یک ذکر مصیبت اشاراتی داشتیم. این جلسه هم به خاطر این‌که هنوز ایام فاطمیّه را طی می‌کنیم، برای عرض ارادت به محضر سیّدۀ نساء العالمین من الاولین و الآخین و سیّدۀ نساء اهل الجنّة علیها السلام دو اشاره‌ی کوتاه خدمتتان عرض می‌کنم.

نکته‌ی نخست این است که طبیعتاً وقوع این فاجعه‌ی عظیم هر مسلمان را به فکر می‌اندازد. فاطمه‌ی زهرا علیها السلام شخصیت ناشناخته‌ای نبودند. اهل سنت در موثّق‌ترین متون خود، احادیث فراوان و متضافری از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در جلالت قدر حضرت فاطمه علیها السلام نقل کرده‌اند. جا دارد اهل سنت خودشان به فکر بیفتند؛ نیازی به این‌که ما به آنها توجّه و تذکّر دهیم نیست. خودشان چقدر از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم روایت کرده‌اند که ایشان فرمودند هر کس فاطمه را بیازارد، مرا آزرده است و هر کس مرا بیازارد، خدای متعال را آزرده است^۱. در یکی از روایت‌ها در منابع خودمان داریم: «خَرَجَ النَّبِيُّ صلی الله علیه و آله و سلم وَ هُوَ آخِذٌ بِيَدِ فَاطِمَةَ علیها السلام» پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم از منزل بیرون آمدند در حالی که دست دخترشان فاطمه علیها السلام را در دست داشتند. حضرت فاطمه علیها السلام طفل خردسالی بودند. «فَقَالَ مَنْ عَرَفَ هَذِهِ فَقَدْ عَرَفَهَا» حضرت فرمودند هر کس این را می‌شناسد که می‌شناسد؛ هر کس معرفت به فاطمه دارد که

^۱ صدوق، علل الشرایع، ج ۱، ص ۱۸۶ و مجلسی، بحار، ج ۲۷، ص ۲۰۶.

دارد؛ «وَمَنْ لَمْ يَعْرِفْهَا» اما هر کس این دختر را نمی‌شناسد، بداند «فَهِيَ فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ ﷺ» او فاطمه دختر من رسول الله است. «وَهِيَ بَضْعَةٌ مِنِّي» او بخشی از وجود من است؛ پاره‌ی تن من است. «وَهِيَ قَلْبِي» او دل و قلب من است. «وَرُوحِي الَّتِي بَيْنَ جَنَبَيَّ» او جان من است که در درون من است؛ من با فاطمه زنده‌ام و کانون وجود و قلب من فاطمه است. حیات‌بخش و جان من فاطمه است. «فَمَنْ آذَاهَا فَقَدْ آذَانِي» هر کس فاطمه را بیازارد و اذیت کند، هر آینه من رسول الله را اذیت کرده است. «وَمَنْ آذَانِي فَقَدْ آذَى اللَّهَ»^۲ و هر کس من رسول الله را اذیت کند و بیازارد، خدای متعال را اذیت کرده است. از این دست احادیث فراوان است. در منابع اهل سنت هم احادیث فراوانی حاوی همین نکته از رسول الله نقل شده است.

از سوی دیگر، اهل سنت علاقه‌مند و متوجه به قرآن کریمند. قطعاً این آیه‌ی قرآن را در سوره‌ی احزاب بارها خوانده‌اند که «إِنَّ الَّذِينَ يُؤْذُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا مُهِينًا»^۳ کسانی که خدا و رسول خدا را اذیت کنند، خدای متعال آنها را هم در دنیا و هم در آخرت مورد لعن قرار می‌دهد؛ در دنیا و در آخرت ملعون و مطرود و محروم از رحمت حقند؛ و خدای متعال عذاب خوارکننده‌ای برای آنها تهیّه و تدارک دیده است. این هم آیه‌ی شریفه‌ی قرآن است و برای اهل سنت جای تردید ندارد.

اما سومین نکته این‌که در کتاب‌های سیره و در مجامع حدیثی اهل سنت مکرر نقل شده است که بعد از فاجعه‌ی عظیم یورش به خانه‌ی امیرالمؤمنین و فاطمه‌ی زهرا علیهما السلام و به آتش کشیده شدن خانه و مورد هجوم قرار گرفتن و شکستن در و آسیبی که فاطمه‌زهرا علیهما السلام در آن حادثه متحمل شدند، هضم آن مقداری برای جوّ مردم دشوار بود. دو مدیر آن فاجعه‌ی عظیم، یعنی خلیفه‌ی اوّل و دوم، دیدند لگه‌ی ننگ عجیبی به دامانشان نشست؛ هنوز چند روزی بیشتر از رحلت رسول الله صلی الله علیه و آله نگذشته

^۲ مجلسی، بحار، ج ۴۳، ص ۵۴ و اربلی، کشف الغمّة، ج ۱، ص ۴۶۶.

^۳ سوره‌ی احزاب، آیه‌ی ۵۷.

است و مردم خاطره‌ی آن همه تکریم و تعظیم پیامبر را نسبت به فاطمه علیها السلام به یاد دارند و امروز آنها چنین جنایت عظیمی مرتکب شده‌اند. آینده‌ی تاریخ در مورد آنها با چنین جنایتی چه خواهد گفت؟ به فکر افتادند مسأله را به نحوی، ولو به صورت ظاهری هم شده ترمیم کنند.

این ماجرا را بارها خدمتتان عرض کرده‌ام و از دیگران هم فراوان شنیده‌اید. در کتاب‌های متعدّد اهل سنّت است؛ خاطر م است سال‌های قبل، دوره‌ای که چندین ماه روایات مربوط به حضرت زهرا علیها السلام را با هم در جلسه می‌خواندیم؛ آن عبارات را از کتاب‌های متعدّد اهل سنّت خواندم؛ از جمله «الامامة و السیاسة» ابن قتیبه‌ی دینوری که از علمای برجسته و متقدّم اهل سنّت است.

آنها آمدند و خواستند عیادتی کنند و بعد به مردم بگویند فاطمه ما را بخشید و از دست ما راضی شد. حضرت آن دو را نپذیرفتند و آنها به امیرالمؤمنین علیه السلام متوسّل شدند و از حضرت خواستند وساطت کنند برای این‌که بتوانند خدمت حضرت زهرا علیها السلام برسند؛ که خود همین نکته‌ی عجیبی است که چه کسانی نزد چه کسی آمدند! قاتلان محسن علیه السلام، فرزند امیرالمؤمنین علیه السلام، کسانی که خانه‌ی امیرالمؤمنین را به آتش کشیدند؛ کسانی که همسر امیرالمؤمنین را مورد آسیب قرار دادند و امروز در بستر بیماری افتاده‌است، نزد امیرالمؤمنین علیه السلام آمدند که برای ما واسطه شو و از همسرت اذن ملاقات بگیر! شقاوت و بی‌حیایی و جسارت از یک طرف و کرامت و عظمت و بی‌کرانگی روح از طرف دیگر، حیرت‌انگیز است که امیرالمؤمنین علیه السلام حتی دست رد به سینه‌ی آنها هم نزدند. نزد فاطمه‌ی زهرا علیها السلام آمدند؛ ماجرا را بیان کردند و فرمودند آیا شما اذن می‌دهید یا خیر؟ حضرت زهرا علیها السلام عرضه داشتند اگر به خودم باشد خیر، اما «الْبَيْتُ بَيْنَكَ وَ الْخُرَّةُ أَمْتُكَ (زَوْجَتُكَ)»^۴ اینجا خانه‌ی شماست؛ خانه‌ی من نیست؛ این زن آزاده هم کنیز توست یا علی. هرچه نظر شما باشد؛ اگر نظر شما این است که اجازه دهم، بیایند.

^۴ مجلسی، بحار، ج ۴۳، ص ۱۹۸.

آن دو آمدند. اول که حضرت اعتنایی به آنها نکردند؛ سلام کردند؛ حضرت پاسخ ندادند و رویشان را به سمت دیوار برگرداندند. ابوبکر شروع کرد به توجیه ماجرای غصب ظالمانه‌ی فدک با حدیث جعلی‌یی که خودش ساخته بود. حضرت زهرا علیها السلام پاسخ این حرف‌های او را قبلاً در مسجد، با خطبه‌ی فدکیه و محاجه‌ای که با او کردند، داده بودند. لذا به او پاسخ ندادند؛ اما فرمودند آیا حدیثی از رسول الله برای شما نقل کنم که ببینید آیا آن را شنیده‌اید یا خیر؟ ابوبکر و عمر خوشحال شدند که فاطمه علیها السلام زبان به سخن گفتن با آنها باز کرد و رویش را به سمت آنها برگرداند. دیدند مثل این که مسأله دارد حل می‌شود و خواسته‌شان تأمین می‌شود. گفتند بله بفرمایید. حضرت فرمودند شما دو تن را به خدا قسم می‌دهم که آیا از پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم شنیدید که فرمودند فاطمه پاره‌ی تن من است؛ رضایت او رضایت من است؛ سخط و غضب او سخط و غضب من است؛ هر کس رضایت او را تأمین کند، من را راضی کرده است و هر کس او را آزار دهد، من رسول الله را اذیت کرده است؟ گفتند بله شنیدیم. وقتی آنها به این سخن پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم اقرار کردند؛ فاطمه‌ی زهرا علیها السلام فرمودند من خدای متعال و ملائکه‌ی الهی را شاهد می‌گیرم که شما دو نفر، ابابکر و عمر من را اذیت کردید و رضایت من را مراعات نکردید و اگر بمیرم و به ملاقات پدرم نائل شوم، از دست شما دو تن نزد رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم شکایت می‌کنم. آنها دیدند داستان صد و هشتاد درجه برگشت. بلند شدند بیرون بروند که موقع خارج شدن حضرت زهرا علیها السلام به ابوبکر خطاب کردند: ابوبکر بدان هیچ نمازی نیست که بخوانم مگر این که در آن نماز تو را نفرین و لعن می‌کنم.^۵ اینها را خود اهل سنت در کتاب‌هایشان نقل کرده‌اند.

نمی‌دانم با وجود آن آیه‌ی شریفه‌ی قرآن درباره‌ی کسانی که خدا و رسول خدا را اذیت می‌کنند؛ آن احادیث عجیب در شأن فاطمه‌ی زهرا علیها السلام و اینکه هر کس آن حضرت را بیازارد، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را اذیت کرده و هر کس رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را بیازارد، خدا را اذیت کرده است؛ و تصریح حضرت زهرا علیها السلام به این که ابوبکر و عمر آن حضرت را اذیت کردند و مورد لعن و نفرین پیایی حضرت زهرا علیها السلام هستند؛

^۵ ابن قتیبة الدینوری، الامامة و السیاسة، ج ۱، ص ۲۰.

و نیز با وجود این که بنا به نقل خودشان، وقتی ابابکر جان می داد، ناراحت بود و می گفت ای کاش دستور نداده بودم به خانه ی فاطمه حمله کنند و در خانه را بگشایند و وارد خانه ی او شوند، اهل سنت چگونه باز هم این شخصیت ها را مورد علاقه و احترام خودشان قرار می دهند! اگر قرار شود دادگاه وجدان آنها با این اسناد روشن داوری کند، چگونه می تواند به نفع ابابکر و عمر رأی صادر کند؟ بنابراین به شیعه ایراد نگیرند که چرا شیعه در قالب زیارت عاشورا که بنا به یک روایت، حدیث قدسی و به روایت دیگر هم سخن ائمه ی معصومین علیهم السلام است و نیز در قالب ادعیه ی دیگر، جنایتکاران کودتاچی ماجرای سقیفه و حمله ی به خانه ی وحی را لعن و نفرین می کنند. اگر تخلّق باخلاق الله برای انسان یک کمال است، آیه ی شریفه فرمود: «لَعَنَهُمُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ أَعَدَّ لَهُمْ عَذَاباً مُهِيناً» خدای متعال در دنیا و آخرت آنها را لعن می کند و عذاب خوارکننده ای برای آنها تدارک و تهیّه دیده است.

امیدواریم اهل سنت خودشان فکر کنند؛ ما جسارت نمی کنیم. اما خودشان ببینند واقعاً چگونه می توانند به وجدانشان پاسخ دهند؟ فردای قیامت چگونه می توانند با این مشی و طریق که در پیش گرفته اند؛ نسبت به عقائد و عملکردشان نزد خدای متعال توجیهی داشته باشند؟ فردای قیامت چگونه می توانند به عنوان افرادی از امت رسول خدا نزد پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم سر بلند کنند؟

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ

۴. ابن حجر عسقلانی، لسان المیزان، ج ۴، ص ۱۸۹.